

مقدمه چاپ دوم کتاب المعتمد فی اصول الدین

ویلفرد مادلونگ

ترجمه: مصطفی امیری*

می‌توان به گفته خود ملاحمی اشاره کرد که قصد داشته است در انتهای کتابش به بحث درباره دقایق کلام نظیر اتم و جز آن بپردازد (ص ۸۲۸). نقل قول‌های موجود از این کتاب فقط تا فصل مربوط به عدل الهی را در بر می‌گیرد، و این شک و تردید را برمی‌انگیزد که شاید بخش‌های بعدی کتاب المعتمد اصلاً به یمن انتقال نیافته باشد.

بخش‌هایی از کتاب که به‌تازگی یافت شده، شامل اشارات مفصل و متعدّد به آثاری است که هم‌اکنون در دسترس ما قرار ندارد. بخش مربوط به صفات الهی که نقصان نسخه‌های اولیه را برطرف می‌کند، عمدتاً بر اساس کتاب تصفح الأدلة اثر ابوالحسین بصری نگارش یافته است. ابن ملاحمی همچنین از مباحثه‌ای که با یک عالم معتزلی به نام اسماعیل بن علی رازی داشته خبر می‌دهد.^۳ مهمترین منابع ابن ملاحمی در بخش فرقه‌شناسی المعتمد، کتاب الآراء و الایدان حسن بن موسی نوبختی و کتاب فی الایدان ابو عیسی وراق هستند. او همچنین مطالبی از کتاب فی اختلاف الناس فی ادیانهم نوشته عبدالله بن محمد ناشیء (اکبر) که آن را کتاب الایدان نیز می‌نامند نقل کرده است. ابن ملاحمی در بخش مربوط به مکتب فلاسفه، از کتاب المصباح نقل قول می‌آورد ولی نام مؤلفش را ذکر نمی‌کند، و همچنین اشاراتی به نقض کتاب ارسطاطالیس فی السماء و العالم اثر ابوهاشم جبائی دارد. در بخش مربوط به ردّ آراء باطنیّه اسماعیلی و قرامطه از کتاب

متن مصحح بخش‌های موجود کتاب المعتمد فی اصول الدین اثر رکن الدین محمود بن محمد ملاحمی ابتدا در سال ۱۹۹۱ بر اساس کار بر روی دو نسخه خطی متعلق به مسجد جامع صنعاً به چاپ رسید.^۱ از آن زمان تا کنون دو نسخه خطی دیگر نیز از همین کتاب در یمن یافت شده‌اند که بخشی از متن قبلی را پوشش می‌دهند، و نیز شامل بخش‌های جدیدی از این کتاب هستند که به میزانی قابل توجه بر حجم کتاب می‌افزایند. نسخه‌های خطی جدید گاه به تصحیح دقیق‌تر متن کمک کرده و حجم کتاب را تقریباً به دو برابر رسانده‌اند. افتادگی متن بین دو نسخه اولیه (چاپ اول: بین صص ۲۹۶ و ۲۹۷) حالا تا حدود زیادی پر شده (چاپ حاضر: صص ۲۶۸-۲۸۱)، هر چند هنوز بخش کوچکی از متن مفقود است. متن کتاب در چاپ اول در باب مربوط به دین مجوس (ص ۵۹۸) در جایی از هم گسسته می‌شود، ولی در چاپ حاضر این گسستگی در کار نیست (ص ۶۳۹) و مابقی بخش فرقه‌شناسی و شروع بخش به عدل الهی (صص ۸۲۸-۸۷۴) را نیز در بر می‌گیرد. اگرچه این اضافات حجم چاپ حاضر را به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است، روشن است که متن موجود المعتمد تنها بخش کوچکی از اصل این کتاب را در بر می‌گیرد. مقایسه متن موجود با اثر دیگر ملاحمی به نام کتاب الفائق فی اصول الدین^۲ که خلاصه‌شده المعتمد است بر ما معلوم می‌کند که حداقل چهارینجم متن اصلی کتاب هنوز مفقود است. در این جا

* مترجم و استاد دانشگاه.

۱. چاپ اول کتاب المعتمد فی اصول الدین، رکن الدین محمود بن محمد ملاحمی خوارزمی (د. ۱۱۴۱/۵۳۶). بخش‌های موجود، به کوشش مارتین مک‌دورمت و ویلفرد مادلونگ. لندن: انتشارات الهدی، ۱۹۹۱. چاپ دوم این کتاب سال ۹۱ از سوی میراث مکتوب با مقدمه انگلیسی پروفیسور مادلونگ منتشر شد که اینک ترجمه مقدمه مذکور در اینجا منتشر می‌شود.

۲. کتاب الفائق فی اصول الدین، رکن الدین محمود بن محمد ملاحمی خوارزمی (د. ۱۱۴۱/۵۳۶). به کوشش و با مقدمه ویلفرد مادلونگ و مارتین مک‌دورمت. تهران: ۲۰۰۷.

۳. بعید نیست که مقصود او همان اسماعیل بن علی فرزادی، مؤلف تعلیق بر شرح اصول الخمسه (اثر قاضی عبدالجبار) بوده باشد. طبق یک اسناد، فرزادی از محمد بن مردک (یا مزدک)، نقل کرده، که او هم به نوبه خود از شاگرد عبدالجبار به نام ابن متویه نقل کرده است. بنابر این، او به احتمال قوی معاصر ابن ملاحمی بوده و در ری فعالیت داشته است. این توضیح را مرهون دکتر حسن انصاری هستیم.



دوره دوم، سال ششم، شماره سوم و چهارم، مرداد - آبان‌ماه ۱۳۹۱

کشف اسرار الباطنیة نوشته ابن رزام استفاده می کند.^۴ در باب مربوط به عدل الهی مطالبی از غرر الادله ابوالحسین بصری و کتاب دیگری از همین نویسنده با نام جوابات مسائل داود بن سلیمان المصری بهره می برد. داود بن سلیمان المصری، که داود بن سهل نیز نامیده می شود، ظاهراً از یهودیان مصری بوده است.

نسخه‌ها

چهار نسخه‌ای که تصحیح حاضر بر اساس آنها صورت گرفته است به ترتیب استفاده عبارتند از:

۱. نسخه خطی شماره ۶۷۹ متعلق به مسجد جامع صنعاء (المکتبة الشریقیة).^۵ این نسخه دارای کاغذ بسیار براق، به خط نسخ به اندازه ۲۴ در ۱۵ سانتی‌متر است. در صفحه عنوان آمده است که نسخه برای «الخزانة المنصورة السعيدة» یعنی کتابخانه امام منصور بالله عبدالله بن حمزه (د. ۱۲۱۷/۶۱۴) نوشته شده، و دارای ۲۴۵ برگ است و در هر صفحه ۱۷ سطر دارد. نسخه مذکور مشتمل بر بخش اول کتاب است و صفحات ۹-۲۶۷ را در چاپ حاضر پوشش می دهد. در تعلیقات به حرف «ا» نشان داده شده است.

۲. نسخه دیگری که در مکتبه جامع الامام الیهادی در صنعاء نگهداری می شود نیز بخش اول کتاب المعتمد را در بر می گیرد.^۶ ابتدای نسخه افتادگی دارد. نسخه مذکور صفحات ۲۵-۳۸۱ را در چاپ حاضر پوشش می دهد. در انتهای باب فی نفی المائیه عنه تعالی (ص ۲۶۷) توضیحی وجود دارد که طبق آن بخش اول از چهار بخش کتاب المعتمد در بعد از ظهر اول جمادی الثانی سال ۷۰۷ (۲۸ نوامبر ۱۳۰۷) در مشهد مقدس منصور یاریان یافته است، و سپس متن نسخه در حکم بخش دوم کتاب المعتمد معرفی می شود. با وجود این، طبق توضیح دیگری که در انتهای نسخه (ص ۳۸۱) نوشته شده، بخش اول از سه بخش کتاب المعتمد کامل شده است. این نسخه به وضوح

قدمت کمتری از نسخه «ا» دارد، ولی از روی یک نسخه اصل متفاوت استنساخ شده است. لوح فشرده این نسخه خطی با مراحم بنیاد فرهنگی امام زید بن علی در صنعاء در اختیار مصحح قرار گرفت. در تعلیقات به حرف «ب» نشان داده شده است.

۳. نسخه شماره ۶۸۰ متعلق به مسجد جامع صنعاء (المکتبة الشریقیة). این نسخه به خط کاتب دیگری نسبت به نسخه ۶۷۹ کتابت شده و دارای ۱۴۶ برگ است، و هر صفحه ۲۱ تا ۲۴ سطر دارد. طبق صفحه عنوان، این نسخه مشتمل بر بخش سوم کتاب است و برای کتابخانه منصور بالله نوشته شده است. نسخه مذکور صفحات ۳۳۱-۶۳۹ تصحیح حاضر را پوشش می دهد و در تعلیقات با حرف «ج» نشان داده شده است.

۴. این نسخه در صفحه عنوان، سومین بخش از کتاب المعتمد فی اصول الدین معرفی شده که در زمان حیات امام المؤمنین بالله یحیی بن حمزه (د. ۱۳۴۶/۷۴۷) برای کتابخانه او نوشته شده است. نسخه مذکور در انتهای متن دارای افتادگی است و صفحات ۵۱۶-۸۷۴ تصحیح حاضر را پوشش می دهد. حداقل یک برگ در اواخر نسخه مفقود است، و در صفحه ۸۷۴ متن را ناقص کرده است. نسخه مذکور در تعلیقات با حرف «د» نشان داده شده است. لوح فشرده این نسخه خطی با مراحم بنیاد فرهنگی امام زید بن علی در صنعاء در اختیار مصحح قرار گرفت. محل نسخه اصل نامعلوم است.

از آن جایی که تقسیم کتاب به بخش‌های مختلف در نسخه‌های متفاوت همخوانی ندارد و به نظر می رسد که کاملاً سلیقه‌ای است، این تقسیم‌بندی‌ها در تصحیح حاضر سلیقه‌ای است.

فصل جداگانه‌ای از کتاب (صص ۵۹۹-۶۰۷) که از روی دو نسخه کتاب الفائق ابن ملاحمی به تصحیح اول اضافه شده بود در چاپ حاضر نیز (صص ۸۸۲-۸۷۴) حفظ شده است. این

۴. ابن ملاحمی بخش اول ردیه ابن رزام بر اسماعیلیان را در اثر دیگرش با نام تخفة المتکلمین فی الرد علی الفلاسفة نیز آورده است. نک: تخفة المتکلمین فی الرد علی الفلاسفة، رکن الدین بن ملاحمی خوارزمی (د. ۱۱۴۱/۵۳۶). به کوشش و با مقدمه حسن انصاری و ویلفرد مادلونگ. تهران ۲۰۰۸، صص ۲۱۱-۲۱۲. ۵. نک: احمد عبدالرزاق الرقیحی، عبدالله الحبشی و علی وهاب الانسی، فهرست مخطوطات مکتبة الجامع الکبیر صنعاء ۱-۴، (صنعاء: وزارت الوقف والارشاد، ۱۹۸۴/۱۴۰۴، ج ۲، ص ۷۵۶.

۶. نک: عبدالسلام بن عباس الوجیه، مصادر التراث فی المکتبة الخاصة فی الیمن ۱-۲، مک‌لین، وی. ای. موسسه الامام زید بن علی الثقفیه، ۲۰۰۲/۱۴۲۲، ج ۱، ص ۴۵۳. همچنین مقایسه کنید با عبدالله حمود درهم العزی، فهرس مخطوطات مکتبة مزار الامام یحیی بن حسین الیهادی الی الحق: صدعه، الجمهوریه الیمنیه، قم ۱۳۸۳/۱۴۲۵/۲۰۰۴، ص ۲۵.

۷. نک: الرقیحی، فهرست، ج ۲، ص ۷۵۷.



دو نسخه (نسخه خطی شماره ۵۵۸ و ۵۵۹ متعلق به مسجد جامع صنعاً)^۸ در تعلیقات به ترتیب با حروف «ه» و «و» نشان داده شده‌اند.

در این جا از پاتریشیا کرون که در تصحیح متن مربوط به دین مجوس کمک بزرگی به من کرد سپاسگزاری می‌کنم. به‌ویژه از زاینه اشمیتکه کمال تشکر را دارم که بدون زحمات ایشان چاپ تصحیح دوم کتاب مقدور نبود.

از مقدمه چاپ اول

تصحیح حاضر مشتمل بر بخش‌های موجود کتاب‌المعتمد فی اصول الدین اثر متکلم معتزلی خوارزمی، ابن ملاحمی است. درباره او که نام کاملش در نسخه‌های خطی رکن‌الدین محمود بن محمد ملاحمی خوارزمی آمده است، اطلاعات زیادی در دست نداریم. ابن مرتضی (د. ۱۴۳۷/۸۴۰)، از تذکره‌نویسان متأخر، در اشاره کوتاهی، او را یکی از شاگردان ابوالحسین بصری (د. ۱۰۴۴/۴۳۶)، بنیان‌گذار آخرین مکتب کلامی معتزلی^۹ معرفی می‌کند. به نظر می‌رسد که توصیف فوق صرفاً بر این اساس صورت گرفته که ابن ملاحمی در آموزه‌هایش از نظرات ابوالحسین بصری پیروی نموده و از آن‌ها دفاع کرده است. در واقع ابن ملاحمی یک قرن تمام بعد از «استادش» زنده بود و در یک‌شنبه شب، ۱۷ ربیع الاول ۱۹/۵۳۶ اکتبر ۱۱۴۱ وفات یافت. این تاریخ را عبدالسلام بن محمد اندرسبانی خوارزمی، معاصر جوان‌تر زمخشری (د. ۱۱۴۴/۵۳۸)، در حاشیه‌ای بر یک نسخه خطی که حاوی شرح حال ابن عالم معروف معتزلی، مفسر قرآن و دستوردان خوارزمی

است نوشته است.^{۱۰} اندرسبانی در شرح حال زمخشری دو بار از ابن ملاحمی با نام رکن‌الدین محمود اصولی یاد می‌کند و می‌نویسد که او تفسیر قرآن را نزد زمخشری فرامی‌گرفت و در عین حال به او اصول می‌آموخت.^{۱۱} این اتفاق مسلماً در گرگنج (جرجانیه)، مرکز خوارزم، که زمخشری در آن جا می‌زیسته، و در زمانی افتاده که او و ابن ملاحمی از عالمان مشهور عصر خود بودند. در این حاشیه، ابن ملاحمی «معروف در کلام، و یگانه عصر در این علم» توصیف شده که آثار متعددی دارد، از جمله (۱) المعتمد فی اصول الدین در چهار جزء؛ (۲) الفائق فی الاصول که چندین نسخه خطی از آن موجود است، و طبق نوشته ابن ملاحمی در انتهای یکی از نسخه‌ها، تألیف کتاب در چهارشنبه شب، هفتم ربیع‌الثانی ۵۳۲ (۲۲ دسامبر ۱۱۳۷) به پایان رسیده است؛ (۳) ردی بر آراء فلاسفه با عنوان تحفة المتکلمین فی الرد علی الفلاسفه. محمد بن حسن دیلمی زیدی، که در سال ۱۳۰۷/۷۰۷ در یمن مشغول به نگارش بوده در کتابش قواعد عقائد المحمّد دو بار از تحفة المتکلمین نقل قول کرده است.^{۱۲} بنابراین، روشن است که این کتاب به یمن انتقال یافته بود، ولی هم‌اینک هیچ نسخه‌ای از آن موجود نیست. ابن ملاحمی در کتاب الفائق علاوه بر کتاب‌المعتمد دو اثر دیگر را نیز از جمله آثارش ذکر می‌کند: (۴) کتاب الحدود، و (۵) جواب المسائل الاصفهانیه. نسخه‌ای ناقص از یک اثر دیگر ابن ملاحمی در کتابخانه بودلین موجود است، که در انجمله (۶) کتاب التجرید نامیده شده و تلخیصی از کتاب المعتمد فی اصول الفقه اثر ابوالحسین بصری در فقه است. بنابراین عنوان کامل کتاب احتمالاً التجرید المعتمد فی اصول

۸. نک: الرقیحی، فهرست، ج ۲، صص ۶۹۳-۶۹۴.

۹. ابن مرتضی، طبقات المعتزله، به کوشش اس. دیوالد-ویلزر، بیروت ۱۹۶۱، ص. ۱۱۹. ابن مرتضی او را مؤلف المعتمد الاکبر معرفی می‌کند، و به اشتباه کتاب الفائق را به ابوالحسین بصری نسبت می‌دهد. درباره ابوالحسین بصری نک: مقالات دائرةالمعارف اسلام، ویراست دوم، تکمله (و. مادلونگ)، و دائرةالمعارف ایرانیکا (دی. گیماره).

۱۰. این شرح حال و حاشیه آن به کوشش عبدالکریم یافی، فی سیره الزمخشری جارالله، در RAAD LVII (۱۹۸۲)، (صص ۳۶۵-۳۸۲) (بر اساس تصحیح اول متن به کوشش ا. ب. خالدوف، لنینگراد ۱۹۷۹) به چاپ رسیده است. نام کامل ابن ملاحمی در حاشیه به صورت رکن‌الدین محمود اصولی بن عبیدالله ملاحمی (ص ۳۸۲) آمده است. در این یادداشت، ابیاتی از زمخشری ذکر شده که آن‌ها را به مناسبت فوت ابن ملاحمی سروده و در آن تأسف می‌خورد که نور اهل عدل، یعنی معتزله، در خوارزم خاموش شده است. در توضیح دیگری که به خط خود ابن ملاحمی نوشته شده است، او خود را محمود بن عبدالله اصولی خوارزمی می‌نامند. بنابراین، معلوم نیست که نام پدرش به‌یقین چیست. محمد یا عبدالله (عبیدالله؟) احتمالاً نام پدر بزرگش بوده است.

۱۱. صص ۳۶۸، ۳۷۹. متن اول در طاش کبری زاده، مفتاح السعاده، به کوشش ک. ک. بکری و ا. ابوالنور، قاهره ۱۹۶۶، ج ۲، ص ۱۰۰ نقل شده است. اندرسبانی در کنار ابن ملاحمی از امام ابومنصور (ص ۳۷۹: شیخ ابومنصور صاحب اصول) نیز نام می‌برد که نزد زمخشری تفسیر فرامی‌گرفته و به او اصول می‌آموخته است. این ابومنصور احتمالاً همان شیخ الاسلام ابومنصور نصر حارثی است که برادرزاده زمخشری او را یکی از استادان عمویش معرفی کرده است (نک. یاقوت، ارشاد الاریبه، به کوشش دی. اس. مارگولیوت، لندن ۱۹۰۷-۱۹۲۶، ج ۷، ص ۱۴۷). اطلاع بیشتری درباره این شخصیت که ظاهراً یک متکلم معتزلی بوده در دست نیست.

۱۲. دیلمی، بیان مذهب الباطنیه و بطلانه، به کوشش ر. استروثمان، استانبول ۱۹۳۷، صص ۳۳، ۷۹.



الفقه بوده است.^{۱۳} این اثر ابوالحسین بصری به صورت نسخه خطی موجود است.

منابع موجود اطلاعی درباره استادان بلافصل ابن ملاحمی در علم کلام در اختیارمان نمی گذارند. ابن ملاحمی نیز در آثاری که از او به جای مانده هیچ اشاره‌ای به استادانش نکرده و یا نامی از آثار متعلق به مکتب ابوالحسین بصری، به جز بنیان گذار آن، نبرده است. بنابراین به یقین نمی توان گفت که مکتب ابوالحسین بصری، که در بغداد تدریس می کرده، چگونه به خوارزم راه یافته و این که پیش از زمان ابن ملاحمی چه تأثیری در خوارزم داشته است. با وجود این، قابل ذکر است که یاقوت در تذکره خود از دستوردان، ادیب، و طبیبی به نام ابومضرمحمود بن جریر ضبّی اصفهانی (د. ۱۱۱۴/۵۰۷) نام می برد که مکتب معتزلی را به خوارزم آورد و رواج داد، و این که زمخشری پیرو مشرب او بوده است.^{۱۴} طبق معمول آن زمان، ضبّی مهارت طب و فلسفه را به هم آمیخته بود.^{۱۵} مشرب معتزلی او احتمالاً همان مکتب ابوالحسین بصری بوده، که ظاهراً خود نیز مدتی به طبابت اشتغال داشته است، ولی با رنگ و بوی فلسفی بیشتر. اگرچه باید اشاره یاقوت را که ضبّی اولین کسی بود که مکتب معتزلی را به خوارزم آورد با احتیاط پذیرفت؛^{۱۶} به هر حال این امکان وجود دارد که واقعاً ضبّی مکتب ابوالحسین بصری را به خوارزم برده و ابن ملاحمی نیز

نزد او تلمذ کرده باشد.

در مورد شاگردان ابن ملاحمی مطلبی در منابع ذکر نشده است. با وجود این، احتمالاً برخی از آن‌ها با متکلم اشعری، فخرالدین رازی، که به هنگام سفرش به خوارزم (در حدود ۵۶۰-۱۱۶۴/۵۷-۱۱۷۴) با علمای معتزلی به مباحثه پرداخت مناظره کرده‌اند. به هر حال، رازی در طول سفرش به خوارزم کاملاً با مشرب ابن ملاحمی آشنا شد و در چندین اثرش علاوه بر ابوالحسین بصری، به ابن ملاحمی نیز اشاره دارد، و او را محمود خوارزمی می نامد.^{۱۷} ابن مرتضی می گوید که رازی در «لطایف» کلام به طور محسوسی تحت تأثیر مشرب ابوالحسین بصری و ابن ملاحمی قرار داشت، هرچند این نفوذ اصول بنیادین را شامل نمی شد. رازی خود می نویسد که در زمان او از تمامی مکاتب معتزلی فقط دو مکتب باقی مانده بود: مکتب ابوهاشم جبّائی (وفات ۹۳۳/۳۲۱) و مکتب ابوالحسین بصری.^{۱۸}

بنابراین، ابن ملاحمی را باید اصلی ترین نماینده مکتب ابوالحسین بصری در نیمه اول قرن ۶ هـ/ ۱۲ م. میلادی دانست. می دانیم که کلام معتزلی غیر شیعی حداقل تا اوایل قرن ۹ هـ/ ۱۵ م؛ یعنی مدتها بعد از زوالش در دیگر نقاط جهان اسلام، در خوارزم دوام آورد.^{۱۹} احتمال دارد سنتی که ابن ملاحمی در آن جا بنیان نهاده بود نقشی عمده در بقای

۱۲. دیلمی، بیان مذهب الباطنیه و بطالنه، به کوشش ر. استروثمان، استانبول ۱۹۳۷، صص ۳۳، ۷۹.

۱۳. کتابخانه بولین، نسخه خطی عربی، ئی. ۱۰۳. نسخه مذکور در ابتدای متن افتادگی دارد و بعد از برگ ۱۵ حداقل بخش عمده‌ای از متن مفقود است. استنساخ نسخه بولین در تاریخ ۵ ربیع الاول ۱۰/۵۷۵ اوت ۱۱۷۹ (و یا احتمالاً ۵ ربیع الاول ۵/۵۹۵ ژانویه ۱۱۹۹) از روی نسخه‌ای به پایان رسیده که مؤلف به قلم خود یادداشت زیر را در آن نگاشته بوده: «او یقول مجرد هذا الكتاب و هو محمود بن عبدالله الاصولی الخوارزمی قرأ علی هذا الكتاب قراءة فهم و احكام الشيخ الامام الجليل الصائغ، صفی الاثمه، ابوسعید جنید بن محمد بن تاتابان الدهستانی و وافق الفراغ من قراءته يوم الاربعاء غرة ذی القعدة سنة اربع و ثلاثين وخمسائة. بنابراین قرائت کتاب در ۱۸ ژوئن ۱۱۴۰ خاتمه یافته؛ یعنی ۱۶ ماه پیش از فوت ابن ملاحمی. در متنی که در اختیار ماست، ابن ملاحمی آراء و نظرات خود را بیان نکرده است. فقط یک بار (برگ ۲۲ الف) اشاره می کند که این نظر ابوالحسین بصری با یک نظر دیگرش تعارض دارد. کتاب المعتمد ابوالحسین بصری به کوشش م. حمیدالله، دمشق ۱۹۶۵، تصحیح و منتشر شده است.

۱۴. یاقوت، ارشاد، ج ۷، ص ۱۴۵. اندرسبانی (ص ۳۶۸) و برادرزاده زمخشری (یاقوت، ارشاد، ج ۷، ص ۱۴۷) ضبّی را استاد زمخشری در نحو و ادبیات معرفی می کند.

۱۵. نک: بیهقی، تممة صوان الحکمه، به کوشش م. شفیع، لاهور ۱۹۳۵، ج ۱، ص ۱۳۵.

۱۶. حاکم جشمی (د. ۱۱۰۱/۴۹۴) در میان شاگردان قاضی عبدالجبار از شخصی به نام ابومحمد خوارزمی نام می برد که، به هر حال، در نیشابور به تدریس مشغول بوده است. (عبدالجبار، فضل الاعتزال و طبقات المعتزله، به کوشش فؤاد سید، تونس ۱۹۷۴، ص ۳۸۷). در میان شاگردان حاکم جشمی، از شخصی به نام احمد بن محمد بن اسحاق خوارزمی نام برده شده که زمخشری را با آراء جشمی آشنا کرده است. نک:

W. Madelng, Der Imam al-Qāsim ibn Ibrāhīm, Berlin 1965, p. 187.

17. D. Gimaret, Théorie de l'acte humain en théologie musulmane, Paris 1980, pp. 59-60, 135, 144.

شهرستانی که قبل از سال ۱۱۱۶/۵۹۰ به خوارزم سفر کرده بود، نامی از ابن ملاحمی نمی برد، هر چند اشاراتی به ابوالحسین بصری، که با مشرب او کاملاً آشنا بود، دارد.

۱۸. رازی، اعتقادات فرق المسلمین والمشرکین، به کوشش ع. س. نشار، قاهره ۱۹۳۸، ص ۴۵.

I. Goldziher, 'Aus der theologie des Fachr al-dīn al-Rāzī, in Der Islam, III (1912), pp. 220ff.; W. Madelung, 'The Spread of Maturidism and the Turks', in Actas do IV Congresso de Estudos Arabes e Islâmicos Coimbra-Lisboa 1968, Leiden 1971, pp. 115-116.



کلام معتزلی در خوارزم داشته باشد؛ هرچند در این باره فقط شواهد محدودی در دست داریم. دومین نویسنده مهمی که نمایندگی مکتب [ابوالحسین بصری] را بر عهده داشته ظاهراً شخصی به نام تقی الدین است که اثر او با نام کتاب الکامل فی الاستقصاء فی ما بلغنا من کلام القدمات به صورت نسخه خطی موجود است. گزیده‌هایی از کتاب او، که گاه ردیه‌هایی بر آراء ابوهاشم جبائی بر اساس آموزه‌های ابوالحسین و ابن ملاحمی است، اخیراً به چاپ رسیده و مورد تحقیق قرار گرفته است.^{۲۰} در حال حاضر اطلاع زیادی از زندگی تقی الدین در دست نیست،^{۲۱} جز آن که از مطالب کتاب برمی آید که او سنی مذهب بوده است.^{۲۲} استفاده از نسبت خوارزمی در اشاره به ابن ملاحمی شاید نشان از این دارد که او در خوارزم ساکن نبوده است. او احتمالاً در اواخر قرن ۶ هـ/ ۱۲ م. یا اوایل قرن ۷ هـ/ ۱۳ م. می‌زیسته زیرا نجم الدین غزمینی، فقیه حنفی خوارزمی، که در سال ۶۵۸/۱۲۶۰ وفات یافته از کتاب او نقل قول کرده است. نجم الدین مختار بن محمود بن محمد زاهدی غزمینی، مؤلف رساله الناصریه در دفاع از اسلام که به برکه‌خان مغول تقدیم کرد، و همچنین شرح معروفش بر مختصر فقهی قدوری به نام المجتبی، یکی دیگر از نمایندگان مکتب ابوالحسین بصری بود. او با همین عنوان [المجتبی] کتاب دیگری در اصول، کلام و فقه تألیف کرده^{۲۳} ولی ظاهراً این کتاب باقی نمانده است.^{۲۴} با وجود این، محمد

بن ابراهیم بن علی بن مرتضی زیدی، معروف به ابن وزیر (د. ۸۴۰/۱۴۳۶) در آثارش کتاب ایثار الحق علی الخلق،^{۲۵} و همچنین ترجیح أسالیب القرآن علی أسالیب اليونان^{۲۶} به طور گسترده‌ای از او نقل کرده است. این نقل قول‌ها نشان می‌دهد که غزمینی از طرفداران سرسخت مشرب ابوالحسین بصری و از منتقدان مکتب ابوهاشم بوده است.^{۲۷} او همچنین به آموزه‌های خاص ابن ملاحمی نیز اشاره دارد.^{۲۸} بنا بر نوشته ابن ابی الوفاء، او کلام را نزد سراج الدین یوسف بن ابی بکر سکاکی خوارزمی (۵۵۵-۶۲۶/۱۱۶۰-۱۲۲۹)، عالم معروف بلاغی و مؤلف مفتاح‌العلوم آموخت. بنابراین احتمالاً سکاکی نیز از پیروان مکتب ابوالحسین بصری و ابن ملاحمی بوده، هرچند ظاهراً هیچ اثری در زمینه کلام ندارد. در تذکره‌ها هیچ نامی از استاد او در علم کلام برده نشده، و احتمال دارد استاد او از شاگردان بلافضل ابن ملاحمی بوده است.

ابن مرتضی هیچ اطلاعی درباره این مکتب معتزلی متأخر سنی که بعد از ابن ملاحمی رواج یافت در اختیارمان نمی‌گذارد. با وجود این، در جایی می‌گوید که علاوه بر فخر الدین رازی، اکثر متکلمان امامی متأخر، و امام زیدی المؤید یحیی بن حمزه (د. ۷۴۷/۱۳۴۶) از مکتب ابوالحسین بصری و ابن ملاحمی پیروی می‌کردند. تأثیر و نفوذ مکتب آن‌ها بر کلام امامیه را می‌توان در آثار سدید الدین محمود بن علی بن حسن حمصی رازی (د. پس از ۶۰۰/۱۲۰۴) یافت. او

20. Elsayed Elshahed, Das Problem der transzendenten sinnlichen Wahrnehmung in der spätmu'tazilitischen Erkenntnistheorie nach der Darstellung des Taqīaddīn an-Nağrānī, Berlin 1983.

نویسنده این تحقیق رکن الدین خوارزمی را که تقی الدین مکرراً از او نقل قول می‌آورد ابن ملاحمی نمی‌داند. تقی الدین به هر دو کتاب المعتمد و الفائق او اشاره کرده است. (صص ۵۶، ۱۰۶) برای نقدی بر این تحقیق نک.

BSOAS XLVIII (1985), pp. 128-9 (W. Madelung).

۲۱. حتی نام او نیز بر ما معلوم نیست. در نسخه خطی کتابش فقط نسبش به همراه عنوان احترام‌آمیز تقی الدین ذکر شده است. نسبت او بدون نقطه نوشته شده است که می‌تواند نجرانی یا بحرانی باشد. تقی الدین مسلماً یک نسبت دیگر هم داشته که در جای دیگر به آن نامیده شده است و می‌توان آن را العجالی خواند (در این باره مطمئن نیستیم).

22. See Elshahed, p. 29.

۲۳. درباره غزمینی نک. ابن ابی الوفاء، الجواهر المضية، حیدرآباد ۱۳۳۲/۱۹۱۴، ج. ۲، ص. ۱۶۶؛ لکنوی، الفوائد الهیه، به کوشش م. نعسانی، قاهره ۱۳۳۴/۱۹۰۶، صص. ۲۱۲-۲۱۳؛ Brockelmann, GAL I 381, Supp. I 656.

۲۴. شاید یک نسخه از این کتاب در میان نسخه‌های متعدد شرح او بر قدوری با همان نام المجتبی پنهان باشد. نک. به فهرستی که سزگین فراهم کرده است، GAS I ۴۵۳.

۲۵. چاپ قاهره ۱۳۱۸/۱۹۰۰.

۲۶. چاپ بیروت ۱۴۰۴/۱۹۸۴. همچنین چند نقل قول کوتاه از غزمینی در کتاب ابن وزیر با نام العواصم من القواصم، به کوشش ش. الأرنؤوط، عمان ۱۹۸۵-۱۹۸۷ دیده می‌شود.

۲۷. ابن وزیر او را «از حامیان مشرب ابوالحسین بصری» و «یکی از بزرگان اصحاب شیخ ابوالحسین بصری» می‌نامد. (ترجیح، صص ۱۹، ۹۴)

۲۸. ایثار الحق، ص. ۵۱، ترجیح، صص. ۴۳، ۸۷ (زکی الدین بخوانید رکن الدین)، ۸۹. او نقل قول‌های متعددی از تقی الدین می‌آورد و او را خاتمه اهل الاصول تقی الامه (الائمه) یا تقی الملّه و الدین العجالی می‌نامد (ایثار، ص. ۳، ترجیح، صص ۸۸-۱۱۰) و به الکامل فی الاستقصاء اشاراتی دارد. (ترجیح، ص. ۳) ابن وزیر همچنین از کتاب الفائق ابن ملاحمی نقل کرده است (ایثار، صص ۲۷۳-۲۷۴).



در اصلی‌ترین اثر کلامی‌اش با نام المرشد الی التوحید (که تألیف آن در سال ۱۱۸۵/۵۸۱ پایان یافته)، بر کتاب الغرر ابوالحسین بصری تکیه داشته است.^{۳۹} در یک اثر کلامی ناقص، نوشته عالمی امامی، که نسخه خطی آن در پاریس نگهداری می‌شود، از سدیدالدین مطالبی نقل شده که آثار نفوذ مشرب ابوالحسین بصری را به خوبی نشان می‌دهد،^{۴۰} و همچنین یک نسخه خطی دیگر متعلق به کتابخانه بودلین او را مخالف سرسخت نظر ابوهاشم جبائی در ارتباط با شیئیت معدوم معرفی کرده است.^{۴۱}

در زمان نصیرالدین طوسی (د. ۱۲۶۶/۶۷۲) که مکتب جدیدی را بر اساس فلسفه ابن‌سینا در کلام امامیه بنیان نهاد، تأثیر آموزه‌های ابوالحسین بصری و ابن‌ملاحمی کاملاً مشهود است. علامه حلی (د. ۱۳۲۵/۷۲۶) در شرحی که با نام کشف‌المراد بر تجریدالاعتقاد طوسی نوشته است، در بسیاری از موارد اذعان می‌کند که طوسی از نظرات ابوالحسین پیروی کرده است. او همچنین به ابن‌ملاحمی با نام محمود خوارزمی

اشاره می‌کند.^{۳۲} رضی‌الدین ابن‌طاووس (د. ۱۲۶۶/۶۶۴)، که از معاصران نصیرالدین طوسی است، در کتابش الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف به ابن‌ملاحمی اشاراتی دارد و او را یکی از بزرگترین عالمان معتزلی و شیوخ اهل سنت توصیف می‌کند.^{۳۳} با وجود این، ابن‌طاووس تمایل چندانی به علم کلام نداشت و از او فقط به جهت مسایل جدلی نام می‌برد. کمال‌الدین میثم بن علی بحرانی (د. ۱۳۰۰/۶۹۹)، از شاگردان نصیرالدین طوسی، در کتابش با عنوان قواعد المرام فی علم الکلام برخی نظرات ابوالحسین بصری، ابن‌ملاحمی، و تقی‌الدین را ذکر و معمولاً از آن‌ها دفاع می‌کند.^{۳۴} شواهدی نیز وجود دارد که خانواده‌ای از علمای امامیه که در نیمه اول قرن ۸ هـ/ ۱۴ م. در حله ساکن بودند مکتب ابوالحسین و ابن‌ملاحمی را پذیرفته، و مشرب ابوهاشم و همچنین کلام فلسفی نصیرالدین طوسی را رد می‌کردند. این خانواده عبارت بودند از شرف‌الدین ابو عبدالله حسین بن ابی‌القاسم بن محمد عودی اسدی حلی، شهاب‌الدین اسماعیل بن عودی، و پسر شرف‌الدین به نام

۲۹. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، نجف و تهران ۱۳۵۵-۱۳۹۷/۱۹۷۸، ج. ۱۳، صص ۱۵۱-۱۵۲. درباره سدیدالدین همچنین نک. منتجب‌الدین رازی، فهرست اسماء علماء الشیعه، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی، قم ۱۴۰۴، ص ۱۶۴؛ عبدالله افندی اصفهانی، ریاض العلماء، به کوشش سیداحمد حسینی، قم ۱۴۰۱، ج. ۵، صص ۲۰۲-۲۰۳؛

H. Modarressi Tabataba'i, An Introduction to Shi'i Law, London 1984, p. 46.

گویا حمص دهی نزدیک ری بوده است.

30. MS Paris, Bibl. Nat., Arab. 1252.

در برگ ۳۶ و ۹۶ الف از سدیدالدین با نام محمود حمصی یاد شده است. بنابراین معلوم می‌شود که این اثر خیلی پس از اواخر قرن ۱۱/۵ که یکی از محققان پیشنهاد کرده نگارش یافته است. نک.

G. Vajda («Le Problème de la Vision de Dieu (Ru'ya) d'après quelques auteurs Šī'ites duodécimains», in Le Shī'isme Imāite, ed. T. Fahd, Paris 1970. pp. 34. 46).

مؤلف کتاب می‌گوید که مکتب معتزلی بغداد و متکلمان امامیه صفت الهی اراده را نفی می‌کنند و معتقدند که داعی برای وقوع فعل کافیهست (برگ ۱۸ الف). با وجود این، معتزلیان بغداد و شیخ مفید، که از آن‌ها پیروی می‌کرد، چنین نظری نداشتند و این نظر ابوالحسین بصری است. مؤلف احتمالاً این نظر را از سدیدالدین گرفته است.

31. Bodleian Library. MS Arab f. 64. fol. 103a:

محمود خوارزمی حمصی. در این‌جا خوارزمی مسلماً به اشتباه و به دلیل خلط با نام محمود خوارزمی صاحب الفائق که کمی بعد از آن ذکر شده به نام او اضافه شده است. درباره این نسخه خطی نک. به پاورقی شماره ۲۷ همین مقدمه.

۳۲. علامه حلی، کشف‌المراد فی شرح تجریدالاعتقاد، قم: بی‌تا، ۲۴۷.

۳۳. ابن‌طاووس، الطوائف، قم: ۱۴۰۰، صص ۱۰۴ و بعد، ۳۱۳، ۳۵۵.

۳۴. قم: ۱۳۹۸. مطالب منقول از ابوالحسین در تمامی کتاب دیده می‌شود. در صفحه ۱۴۷، از ابن‌ملاحمی با نام محمود خوارزمی، و در صفحه ۸۲ از تقی‌الدین با نام العجالی نام برده شده است.



احمد که در ذی الحجه ۷۴۲/ژوئن ۱۳۴۲ هنوز زنده و به تألیف کتاب مشغول بوده است.^{۳۵} هیچ اطلاع دیگری از این مکتب کلامی امامیه که بر اساس مشرب ابوالحسین بوده، و راهی جدا از مکتب غالب امامیه متأثر از طوسی داشته در دست نیست. آثار ابن ملاحمی در میان زیدیان یمن بیشترین توفیق را یافت و تا به امروز محفوظ ماند.^{۳۶} آثار کلامی ابوالحسین بصری حتی اگر هم به یمن رسیده باشند، ظاهراً خیلی زود از بین رفتند، و به همین دلیل آشنایی با آموزه‌های او عمدتاً از طریق المعتمد و الفائق ابن ملاحمی صورت می‌گرفت.

معلوم است که مکتب ابوالحسین بصری تا حدودی متأثر از مفاهیم فلسفی فیلسوفان مسلمان بوده است. او در موارد متعددی از تعالیم بهاشمیه یا بهشمیه، یعنی مکتب ابوهاشم جبائی به نمایندگی استادش قاضی عبدالجبار (د. ۱۰۲۴/۴۱۵)، روی گرداند. برخی از این موارد ردّ نظریه احوال در ارتباط با صفات الهی و نظریه شیئیت معدوم، تقلیل صفت الهی اراده به علم، و سکوت او درباره مجزاً بودن صفات الهی شنیدن، دیدن و درک کردن از علم الهی است. باید یادآور شوم که در ارتباط با مسأله اخیر، ابن ملاحمی با نظر بهشمیه که به وجود صفت مستقل مدرک بودن در خدا قایل بودند موافق بود.^{۳۷} ابوالحسین همچنین برخلاف معتزله، کرامات اولیاء را پذیرفته، و در قبال نظریه جزء لایتجزا که متکلمان

معتزلی و اشعری هر دو آن را تأیید می‌کردند، موضعی خنثی اتخاذ کرده بود.^{۳۸} او در ارتباط با اعمال انسان اعتقاد داشت که این اعمال ضرورتاً مطابق با داعی‌شان صادر می‌شوند. چنان که فخرالدین رازی اشاره کرده است، این موضع عملاً نظریه معتزله درباره اختیار انسان را نقض می‌کند.^{۳۹} برخی از این موارد در بحث‌های ابن ملاحمی در المعتمد بررسی و یا به آن‌ها اشاره شده است. برای بررسی جامع‌تر نظرات ابوالحسین بصری و ابن ملاحمی باید تا انتشار کتاب الفائق ابن ملاحمی منتظر ماند.

ابن ملاحمی در دیباچه کتابش هدف از نگارش آن را تلخیص، تکمیل و به‌روز کردن بزرگترین اثر کلامی ابوالحسین بصری، کتاب تصفح الأدله، عنوان می‌کند که ابوالحسین در آن استدلال‌های عالمان معتزلی و مخالفان آن‌ها را به‌دقت موشکافی کرده است. با وجود این، ابوالحسین در تلاش برای جامعیت بخشیدن به کتابش بسیاری از ادله و براهین سست و ضعیفی را که می‌شد بدون هیچ لطمه‌ای به جوهر کتاب آن‌ها را حذف کرد در اثرش گنجانده بود. ابن ملاحمی همچنین برخی ادله جدید خاص خود و اختلاف نظرهایش با ابوالحسین را، که البته تأکید داشت بسیار اندک است، در کتابش آورده است. ابوالحسین به هنگام تألیف بخش مربوط به رؤیت خداوند از سوی مؤمنان در بهشت وفات یافته بود؛ بنابراین،

۳۵. این شواهد در نسخه خطی کتابخانه بولین به مشخصات MS Arab f64 موجود است. اثر فوق را احمد بن حسین بن عودی برای استفاده شخصی‌اش نگاشته، و شامل متونی است که موضع کلامی این خانواده را نشان می‌دهد. در این نسخه فتوایی از شیخ نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر بن سعید (همان محقق حلی [وفات ۱۲۷۷/۶۷۶]) درباره کسانی که به پیروی از بهاشمیه معتقد به شیئیت معدوم هستند دیده می‌شود. (در این نسخه محقق حلی با نام نبای‌اش سعید نامیده می‌شود و نه پدرش حسن). نجم‌الدین نظر فوق را رد می‌کند ولی قائلین به آن را کافر یا فاسق نمی‌داند (برگ ۹۹-۱۰۰). ولی شرف‌الدین حسین این فتوی را نقض می‌کند و اصرار دارد که عقیده فوق منجر به کفر می‌شود و دادن زکات به آن فرد مجاز نیست (برگ ۱۰۰-۱۰۴). او برای تأیید نظر خود به آثار شیخ مفید، شیخ طوسی (کتاب ریاض القول) او که ظاهراً مفقود است؛ نک: آقا بزرگ، الذریعه، ج ۱۱، ص ۳۴، ابوالحسین بصری و محمود خوارزمی (ابن ملاحمی) تکیه دارد. شهاب‌الدین بن عودی در یک رساله منظوم کلامی (برگ‌های ۱۱۳-۱۱۹) از آموزه‌های مکتب ابوالحسین دفاع کرده است. بنابراین، او نظر مکتب معتزلی (بهشمی) که وجود زاید بر ماهیت، و این نظر فیلسوفان را که وجود هر چیزی به جز خداوند زاید بر ماهیت است را رد می‌کند، و از «موضع بصری» (به ضرورت قافیه! منظور همان ابوالحسین بصری است.) که وجود چیزی نیست جز ماهیت هر چیز (برگ ۱۱۵الف) دفاع می‌کند. در این ارتباط دو عقیده مختصر به قلم شرف‌الدین (برگ‌های ۱۰۵-۱۰۷) و پسرش احمد (برگ‌های ۱۲۰-۱۲۱) بر اساس مکتب ابوالحسین وجود دارد. هر دوی آن‌ها صفات الهی درک، دیدن و شنیدن را به علم او باز می‌گردانند. این امر با موضع مفید و ابوالحسین سازگاری دارد، ولی با موضع شیخ طوسی و ابن ملاحمی همخوان نیست.

۳۶. در میان آثار منتشر شده‌ای که بیانگر نفوذ مکتب ابوالحسین بصری و ابن ملاحمی در میان زیدیان یمن است می‌توان به کتاب الاساس لعقاید الاکیاس از امام منصور بالله القاسم بن محمد (وفات ۱۰۲۹/۱۶۲۰) اشاره کرد. مؤلف از مکتب ابن ملاحمی با نام ملاحمیه (به کوشش ن. نادر، بیروت ۱۹۸۰، صص. ۶۹، ۱۲۸، ۱۴۰، و ۱۸۹) یاد کرده است. او در هیچ جای کتاب از ابن ملاحمی نام نمی‌برد، ولی مکرراً به مکتب ابوالحسین بصری اشاره می‌کند.

37. See the discussion of Taqī al-Dīn in Elshahed, pp. 50, 97.

میثم بحرانی می‌گوید که نظر ابوالحسین در تقلیل این صفات به علم الهی با نظر ابوالقاسم بلخی کعبی، رییس مکتب معتزلی بغداد، موافق است (قواعد المرام، صص ۹۰، ۹۵).

۳۸. همچنین نک. به خصوصیات مکتب ابوالحسین بصری چنان که در آثار زیر آمده است: شهرستانی، الملل والنحل، به کوشش دبلیو. کیورتن، لندن ۱۸۴۲، ص ۵۹، و رازی، اعتقادات، ص ۴۵.

39. See Gimaret, Théorie, pp. 35, 59-60, 124-6.



ابن ملاحمی وعده می‌دهد که کتابش را به شیوه ابوالحسین و با پیروی از روش او در بخش‌های تکمیل‌شده کتاب کامل کند. با وجود این، بخش موجود المعتمد تقریباً تا همان پایان تصفح‌الادلّه را بیشتر پوشش نمی‌دهد.

اگرچه اساس کار و منبع اصلی ابن ملاحمی تصفح‌الادلّه است، او از آثار متعدد دیگری نیز، که هم‌اینک عمدتاً مفقود هستند، بهره برده است: از برخی از آن‌ها به طور مستقیم، و از برخی دیگر به طور غیر مستقیم و به واسطه تصفح. در میان کتاب‌ها و رسائل دیگر ابوالحسین بصری که از آن‌ها نقل قول شده است می‌توان به کتاب الغرر، شرح العمدة (که شرحی است بر کتاب العمدة قاضی عبدالجبار)، و مسأله فی تعلیق الدلیل بالمدلول، که از امالی ابوالحسین است، اشاره کرد. ابن ملاحمی نقل قول‌های متعددی از آثار قاضی عبدالجبار آورده است، به‌ویژه کتاب‌المغنی (که احتمالاً نسخه متفاوتی از آنچه تکثیر یافته بود در دست داشت)، کتاب المحيط بالتکلیف و همچنین کتاب‌هایی به نام‌های شرح المحيط و تعلیق المحيط که احتمالاً هر دو عنوان یکی بوده و به شرحی که بر محیط بالتکلیف نوشته شده بود اشاره دارند، کتاب الدواعی و الصوارف، و همچنین شرح الجمل و العقود. علاوه بر این‌ها، ابوالحسین بصری در آثارش به نظراتی از قاضی عبدالجبار اشاره دارد که در محضر درس او شنیده و ابن ملاحمی برخی از آن‌ها را نیز نقل کرده است. ابن ملاحمی به کتاب دیگری به نام کتاب‌التحریر اثر ابن‌متویه از شاگردان عبدالجبار نیز اشاره کرده است که اثری ناآشناست. احادیث عمدتاً از کتب زیر نقل شده‌اند: جوابات (مسائل) التستریین اثر عبدالله بن

عباس رامهرمزی، عالم معتزلی، و پیرو متمول و با نفوذ ابوعلی جبائی (د. ۹۱۵/۳۰۳)، کتاب من قال بالعدل من المحدثین اثر شخصی به نام ابن ابی‌حیّه که احتمالاً همان ابوالقاسم عبدالوهاب بن عیسی بن عبدالوهاب بن ابی‌حیّه، معروف به جاحظ وراق (د. ۹۳۱/۳۱۹) است، از تفاسیر قرآن عباس بن یزید بحرانی، محدث بصری، قاضی همدان (د. ۸۷۲/۲۵۸)،^{۴۲} و ولید بن ابان اصفهانی (د. ۹۲۲/۳۱۰)،^{۴۳} و کتاب‌التاریخ اثر ابن ابی‌خیثمه (د. ۸۹۲/۲۷۹).^{۴۴} اشارات مختصری نیز به یک رساله منسوب به قابوس بن وشمگیر، و همچنین رساله‌ای متعلق به محمد بن عیسی برغوث (د. در حدود ۸۵۴/۲۴۰)، متکلم حنفی، و کتاب‌الادوات عالم نحوی، ابوالحسن دهان شده است.^{۴۵} از همه مهمتر، اشارات ابن ملاحمی به کتاب الآراء و الدیانات حسن بن موسی نوبختی، که قبل از این ناشناخته بود، و ارزشمندتر از همه گزیده‌های مفصلی است که از فرقه‌شناسی ابوعلی‌وریق با نام کتاب‌المقالات نقل شده است. ابن ملاحمی قصد خود را برای پرداختن به نظرات «فرقه‌های مخالف با توحید، نظیر ثنویت‌گرایان، مسیحیان، و مجوسان»، رد آن‌ها به شیوه‌ای کامل‌تر از آنچه به قلم شیوخ معتزلی در کتاب‌های مختصر یا متوسط‌شان صورت گرفته اعلام می‌کند. منبع اصلی او در این بحث کتاب ابوعلی‌وریق است که آن را کتاب فی الدیانات می‌نامد. بخش‌های موجود المعتمد به بحث درباره دهری‌ها، مانوی‌ها، بردسانی‌ها، مارسیونی‌ها، و فرقه‌های ثنویت‌گرای کوچک‌تر می‌پردازد، و بخش آغازین بحث ابوعلی‌وریق درباره مجوسان را در بر دارد.^{۴۶}

۴۰. فضل الاعتزال، ص ۳۱۲؛ ابن مرتضی، صص ۹۸ و بعد.

۴۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، قاهره: ۱۹۳۱، ج ۱۱، ص ۲۸ و بعد. از آنجایی که ابن ابی‌حیّه که ملاحمی در کتابش از او یاد می‌کند مطالبی از محمد بن شجاع ثلجی، فقیه معروف حنفی (د. ۸۸۰/۲۶۶) نقل کرده، و تذکره عبدالوهاب بن ابی‌حیّه نیز او را از حامیان آراء ثلجی توصیف کرده است، این دو نفر یکی هستند. دارقطنی، که از ابن ابی‌حیّه نقل کرده است، او را فردی مورد وثوق توصیف می‌کند. با وجود این، او همانند ثلجی در ارتباط با قرآن قائل به وقف بود، یعنی صراحتاً نمی‌گفت که قرآن مخلوق نیست. عنوان کتابش نشان می‌دهد که او همچنین برخلاف ثلجی از نظریات معتزله در ارتباط با عدل و اختیار دفاع می‌کرد.

۴۲. تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۱۴۲ و بعد؛ ابونعیم اصبهانی، ذکر اخبار اصبهان، به کوشش اس. دررینگ، لیدن ۱۹۳۱-۱۹۳۴، ج ۲، ص ۱۴۰؛ تذکره‌الحفاظ، حیدرآباد ۱۳۳۲-۱۳۳۳، ج ۲، ص ۷۸؛ ابن حجر، تهذیب‌التهذیب، حیدرآباد ۱۳۲۵-۱۳۲۷، ج ۵، ص ۱۳۴ و بعد.

۴۳. اخبار اصبهان، ج ۲، ص ۳۳۴ و بعد؛ تذکره‌الحفاظ، ج ۳، ص ۶ و بعد.

44. See on him Ch. Pellat in E.I., 2nd ed., s.v.

او متهم بود که یک قدری است.

۴۵. هیچ اطلاعاتی از این شخص در دست نیست.

46. See W. Madelung, "Abū 'Isā al-Warrāq über die Bardesaniten, Marcioniten und Kantäer" in H. R. Roemer and A. Noth (eds.), Studien zur Geschichte und Kultur des Vorderen Orients: Festschrift für Bertold Spuler zum siebzigsten Geburtstag, Leiden 1981, pp. 210-224, and M. J. McDermott, 'Abū 'Isā al-Warrāq on the Dahriyya', in Mélanges de l'Université Saint-Joseph, L (1984), pp. 384-402.

